

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

ک . سودانی

۱۶.۰۶.۰۹

یاوه گویی یا دموکراسی؟!

در نشریه انترنتی " افغانستان آزاد – آزاد افغانستان " مؤرخ پانزدهم ماه جون امسال، در ردیف اشعار و مقالات منتشره، مطلب بسیار سست، عقده مندانه، بی بنیاد و شدیداً غرض آلود سیاسی تحت عنوان " قابل توجه سایت افغانستان آزاد .. " را نیز خواندم. نشر همین مطلب غرض آلود سیاسی که به قلم " محمد صالح عبید " نگاشته شده است و اداره محترم سایت مذکور هم نشر آنرا " رعایت دموکراسی " خوانده، مرا واداشت تا چند نکته فشرده را به عنوان پاسخ به آقای موصوف که بدون تردید یکی از اعضای تشکیلات اسلام سیاسی وطنی و یا از جمله خادیمت های مسلمان شده میباشد، بنگارم:

گرچه آقای " محمد صالح عبید " در بخش های اول نوشته خود ادعا کرده که " از دهه چهل هجری تا حال حوادث وطنم را در بسیاری موارد با چشم سر مشاهده کرده ام "، اما بسیار زود با نگارش این جمله که " .. واما در عین حال همین (روشنفکران) خصوصاً رهبری این گروه های سیاسی از روز اول موجودیت خود عوض اینکه خود را با ملت حل کنند، هرکدام نظر به سلیقه های مختلف به کشور های خارجی همه چیز خود را فروخته و معامله کرده بودند. " از یکطرف ضعف نوشتاری و کم دانشی زبانی اش را بیان میدارد و از سوی دیگر، بی خبری و عدم دقت خود را پیرامون معانی واژه های " روشن فکر "، " فرد "، " تشکیل " و " گروه های سیاسی " و تفکیک خوب از بد را به اثبات رسانیده حتی غیب گوئی و پیش داوری و اتهام زنی و محکوم سازی و ... خود را به نمایش میگذارد.

از نوشته ضعیف، استدلال بی پایه و گفتار عامیانه آقای " محمد صالح عبید " چنین بر می آید که ایشان فرد بی ملاحظه، غیر علمی و یاوه گوئی است که در بلند گاهی نشسته با تفنگی " چهره یی "، چشم بسته، " بی خریطه " و بی ملاحظه به هر سو فیر میکند.

وی در قسمت های اول نوشته اش چنین مینگارد: " .. بی گمان مسؤولیت ویرانی فعلی کشور در قدم اول متوجه قشر با سواد ما که خود را " روشن فکر " هم قلمداد کرده و میکند، میباشد "

اینجاست که خواننده بسیار زود درک میکند که آقای " صالح " نه تا کنون معنی اصلی (باسواد) را فهمیده و نه هم تعریف دقیقی از (روشن فکر) را میداند. ویا بعبارۀ دیگر، شاید " باسواد " و " روشن فکر " افغانستان نزد ایشان تنها و تنها رهبران " خلقی ها " و " پرچمی " های جنایتکار و یا چند تا از رهبران تنظیم های اسلامی بوده باشد که خود شان را به روس و ایران و پاکستان و امریکا

فروختند ، رهبران اخوانی که از سید قطب و محمد قطب مصری الهام گرفته و خود ، مردم و مملکت ما را نا جوانمردانه به جهان غرب و به همسایه ها به فروش رسا نیندند.

آقای " صالح محمد عبید " تا هنوز متأسفانه نفهمیده است که در سده اخیر ، چه تعداد از با سوادان و روشنفکران واقعی ، وطنپرست ، آزاده و ضد ظلم و استبداد در سر زمین بلا کشیده افغانستان به خاطر مردم و به منظور آزاد بودن و آزاد زیستن ملت ما در زندان های مخوف رژیم های مستبد پوسیدند ، چه تعدادی از آنها از زادگاه شان تبعید شدند ، چه کسانی به دهن توپ و پای چوبه های دارجان باختند و بالاخره چه تعداد از همین با سوادان و روشنفکران سرفراز کشور ما توسط خود فروختگان اخوانی ، خلقی و پرچمی در سالهای اخیر به شهادت رسا نیده شدند؟!

آقای " صالح " که ادعای " فهم " و " آزاد زیستن " و " از کوره حوادث " ، " سالم " بدر آمدن را هم نموده است ، متأسفانه نفهمیده اند که در افغانستان عزیز ، هیچگاه حزبی به نام " حزب شعله جاوید " وجود خارجی نداشته و " انجنیر عثمان " هم هیچگاه رهبری چنین حزبی را عهده دار نبوده است .

عقد های آماسیده سیاسی آقای " صالح محمد " وقتی بیرون میزند که باز هم بدون احساس مسؤولیت و بدون اندکترین دقت در قضاوت و گفتار خویش به شیوه خادی های رژیم دسته نشانده روس چنین مینویسد : " . . . من اطمینان دارم و تا جایی که از نزدیک با بعضی از کادر های رهبری ماویست ها صحبت ها و شناخت داشته ام ، اگر در ثور ۱۳۵۷ ماویست های پر عقده ، خود خواه و مریض های روانی وابسته به کشور چین ، این دارة کاملاً بیگانه با کافه ملت مسلمان افغانستان ، ارگ دولتی را به دست می آوردند ، با در نظر داشت ایدئولوژی چینی شان که باز هم متاع وارداتی و غیر قابل قبول به ملت افغانستان بود ، ملت خدا پرست افغان علیه ایشان قیام میکرد و عین جنایات اجرا شده توسط غلامان روس شوروی ، توسط این گروه لادین در کشور به وقوع می پیوست . . . "

اکنون خواننده های گرامی میتوانند بالای شخصیت ، افکار ، خبث باطن ، نیت درونی و استعداد پیشگویی این آقای " خدا پرست " قضاوت فرمایند .
شاعر چه زیبا می سراید :

شگفتن غنچه بی رنگ و بو را میکند رسوا

همین خوبست که دست بی هنر در آستین باشد.

اگرچه ارائه پاسخ به کسی که هنوز پس از گذشت سه دهه خونین در کشور ، مفهوم و ماهیت فکری و سیاسی گروه های نیدخل در سرنوشت مملکت ما را نفهمیده باشد ، چندان ضرورت هم نیست ، با آنهم (بخاطر اینکه شاید بعضی ها همه چیز را فهمیده اند ، ولی روی تاکتیک خاص سیاسی جاهل میکنند) ، کوتاه تذکری میدهم: باید گفت که اولاً ، " شعله بی ها " بدون آنکه دارای حزب سیاسی و حمایتگر خارجی باشند ، بعنوان فرزندان واقعا آزادیخواه ، دلیر و فدا کار ملت افغانستان در برابر استبداد داخلی ، استعمار خارجی و ارتجاع مذهبی قاطعانه رزمیده و مردانه جان های شیرین شان را در همین راه فدا کرده اند ، بدون آنکه یک انج از خاک پدری شان را به بیگانه ها فروخته باشند و یا بدون آنکه مانند تفنگداران " خلقی - پرچمی - اخوانی " به ناموس مردم تجاوز کرده باشند . آیا آقای " صالح محمد عبید " (اگر اسم شان مستعار نباشد!) ، اعلامیه ها ، کارنامه ها و سیاست مستقل ملی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) را که یک تشکیل سیاسی - نظامی " شعله بی " ها و عناصر روشنفکر ، ملی و آزادی دوست میهن در برابر عساکر تجاوزگر روسی ، رژیم وطنفروش خلقی - پرچمی و بنیاد گرایان ایرانی - پاکستانی - امریکائی پرست بود ، هرگز نه دیده و نخوانده است؟! آیا تا هنوز این حقیقت را درک نکرده که اگر شعله بی ها فروخته شده و متکی به بیگانه ها می بودند ، چرا در میان نیرو های چاکر منش پیرو شرق و غرب با خونین ترین و وحشیانه ترین شکلی سرکوب می شدند؟! آقای " صالح " چرا تا حال نفهمیده است که به قول

خودش اگر " شعله بی‌ها " لادین بودند ، دینداران سیاسی و تیکه داران اسلام که از طریق "تنظیم " های نوع پاکستانی شان دوکان های تجارت و معامله گری هم داشتند، چرا نخواستند و یا نتوانستند مصدر خدمت به خلق الله شوند؟! اگر " شعله بی‌ها " ادعای دین داری نکرده اند، مصدر هیچنوع خیانت و جنایت دینی و اخلاقی و اجتماعی و . . . هم نشده اند و به همین دلیل هم است که با وجود سرکوب شدن ها و قربانی دادن های گسترده ، نزد ملت شهیر افغانستان سر بلند و سر افراز اند و در تاریخ معاصر کشور جای خاص و شایسته خود شان را داشته و خواهند داشت. بد ها به حال آناتیکه زیر نام اسلام ، امت پروری و شعار های " دودی - کور او کالی " مرتکب انواع جنایت ، کشتار و ویرانگری شدند و همانطوریکه امروز نزد مردم ما سر افکنده و شرمسار اند، نزد تاریخ سرزمین ما و نسل های آینده هم منفور، ملامت و روسیاه خواهند بود. امید که آقای " صالح محمد" بدانند و بپذیرد که همه را از عقب عینک دودی و متقلب خویش دیدن و همه روشنفکران کشور ما را دزد و خود فروخته و نوکرو چاکر . . . خطاب کردن بالذات خیانتی است نا بخشودنی . اگر نا کسان و ناخلفانی چند دست به بی حرمتی به مادر میهن زدند ، خوشبختانه هنوز دامان مادر وطن از فرزندان پاک ، صادق ، انقلابی و خدمتگار واقعی خود خالی نشده و خانه خانه بی زادگاه مان به وجود فرزندان دلیر و پاک طینت و آزاده خویش می بالد و می نازد. اندک پاسخی بود به آقای " صالح محمد " بیخبر از خود و دیگران !